

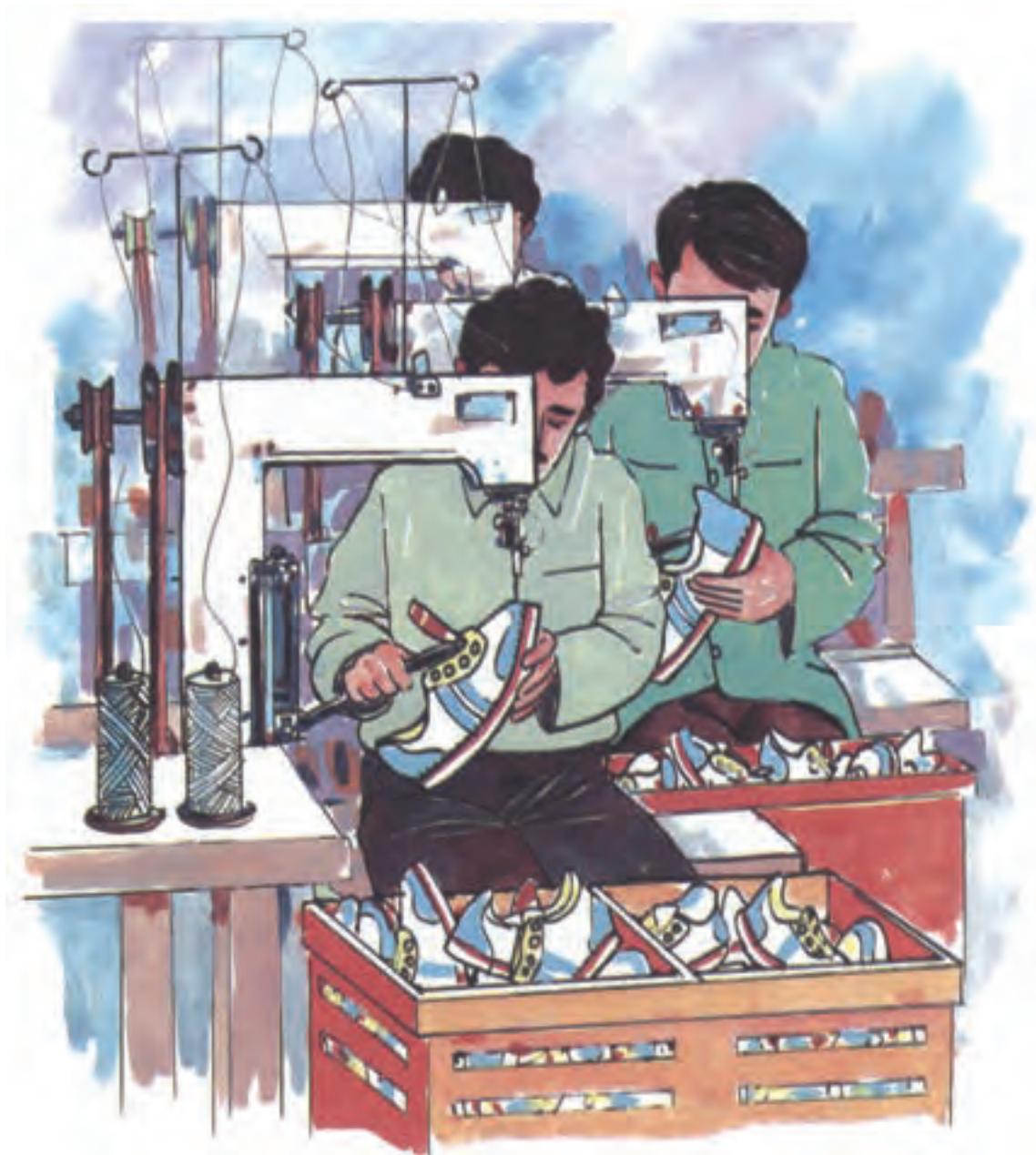
## کفّاش

پدر حسین به او قول داده بود. برایش یک جفت کفش بخرد. دوست پدر حسین کفّاش بود. آن‌ها به کارگاه کفّاشی او رفتند. حسین از آقای کفّاش پرسید: شما از چه وسایلی برای دوختن کفش استفاده می‌کنید؟ آقای کفّاش گفت: برای دوختن کفش از چرم، میخ و چرخ دوخت استفاده می‌کنم. بعضی از کفش‌ها هم در کارخانه دوخته می‌شود.

آقای کفّاش از حسین پرسید: چه نوع کفشی می‌خواهی؟ حسین گفت: کفشی می‌خواهم که برای مدرسه مناسب باشد.



بعد از خریدن کفش ، حسین با خود فکر کرد که کفّاشی شغل خوبی است.  
او از پدر پرسید : آیا می توانم تابستان به این کارگاه بیایم و کفّاشی یاد بگیرم؟  
پدر گفت : بله پسرم، کفّاشی شغل خوبی است. کفّاش با دوختن کفش های راحت و  
بادوام به مردم خدمت می کند.



**کلمه ها و ترکیب های تازه**

کفش بادوام : کفشی که دیر پاره شود



## نکته

برای دوختن بعضی از کفش‌ها از چرم استفاده می‌شود.  
چرم از پوست گاو به دست می‌آید.

## پرسش



- ۱- کفش‌های شما را چه کسی تهیه کرده است؟
- ۲- کفش در کجا کفش می‌دوزد؟
- ۳- کفش برای دوختن کفش از چه وسایلی استفاده می‌کند؟
- ۴- کفش چگونه به مردم خدمت می‌کند؟

**با توجه به کلمه‌های زیر جاهای خالی را پر کنید.**

ورزشی - کارخانه

بعضی از کفش‌ها در ..... دوخته می‌شود.  
برای ورزش و بازی، باید کفش ..... بپوشیم.

## تمرین



- به همراه آموزگار خود به یک کارگاه کفشی بروید و از نزدیک کار کفش را

بینید.

## مقایسه کنید



به تصویرهای بالا با دقت نگاه کنید و بگویید کار کدام یک از پسرها درست است؟

**فکر کنید**



— آیا می‌دانید با چرم چه چیزهای دیگری می‌دوزند؟

## مشاوره مدرسه

بچه‌ها در حیاط مدرسه مشغول بازی و گفتگو بودند. مشاور مدرسه از پشت پنجره به آن‌ها نگاه می‌کرد. مریم تنها و ناراحت در گوشه‌ی حیاط ایستاده بود. خانم مشاور به حیاط رفت و مریم را به اتاق مشاوره برد. خانم مشاور علت ناراحتی مریم را از او پرسید. مریم در مورد مشکل خود با او صحبت کرد. خانم مشاور به مریم کمک کرد تا مشکل خود را حل کند. بچه‌ها، آیا می‌دانید کار مشاور در مدرسه چیست؟





یکی از افرادی که در مدرسه برای دانش آموزان زحمت می کشد، مشاور مدرسه است. مشاور، دانش آموزانی را که در بعضی از درس ها ضعیف هستند، **راهنمایی** می کند تا بتوانند بهتر درس بخوانند. اگر برای دانش آموزان مشکلی پیش بیاید، می توانند با مشاور مدرسه درباره ی آن صحبت کنند.

شما هم می توانید برای حل مشکل خود از مشاور راهنمایی بخواهید.



## نکته

بچه‌ها مشکلات خود را به افراد غریبه نگویند.

## پرسش



- ۱- مشاور مدرسه وقتی مریم را تنها و ناراحت دید، چه کرد؟
- ۲- اگر برای دانش‌آموزان در خانه یا مدرسه مشکلی پیش بیاید از چه کسی کمک می‌گیرند؟
- ۳- در مدرسه‌ی شما چه کسانی کار می‌کنند؟
- ۴- آیا شما در مدرسه‌ی خود مشاور دارید؟
- ۵- اگر در خانه برای شما مشکلی پیش بیاید، با چه کسی می‌توانید صحبت کنید؟

**با توجه به کلمه‌های زیر جاهای خالی را پر کنید.**

مشاور - راهنمایی

- برای حل مشکلات خود از مشاور ..... بخواهید.
- اگر برای دانش‌آموزی مشکلی پیش بیاید ..... به او کمک می‌کند.

## تمرین



- به همراه آموزگار از اتاق مشاور دیدن کنید و با او گفتگو کنید.



## نقشه‌ی ایران

حسین در امتحانات نوبت اول نمره‌های خوبی گرفته بود. وقتی پدر به خانه آمد، هدیه‌ای برای او آورده بود. حسین خوشحال شد. هدیه خود را باز کرد و با تعجب به آن نگاه کرد.

او از پدر پرسید: این چیست؟  
پدر گفت: این تصویر کوچکی از کشور ما ایران است. ما به این تصویر نقشه می‌گوییم.





حسین پرسید : نقشه چه فایده‌ای برای ما دارد.

پدر گفت : پسر من تو می‌دانی کشوری که ما در آن زندگی می‌کنیم ایران نام دارد. ایران کشور بزرگی است. ایران شهرها و روستاهای زیادی دارد. ما می‌توانیم شهر و روستایی را که در آن زندگی می‌کنیم روی نقشه پیدا کنیم.

پس پدر پرسید : آیا می‌توانی شهر تهران را روی نقشه پیدا کنی؟

حسین با دقت به نقشه نگاه کرد او شهر تهران را روی نقشه به پدر نشان داد.

پدر گفت : بزرگ‌ترین شهر ایران تهران است.

شهر تهران مرکز ایران است.

ما می‌توانیم با کمک نقشه، ایران را بهتر بشناسیم.

### نکته

زبان مردم کشور ایران فارسی است. اما در بعضی از شهرها مردم به

زبان مخصوص خود صحبت می‌کنند. مانند زبان کردی و ترکی.



- ۱- پدر برای حسین چه هدیه‌ای خرید؟
- ۲- از نقشه چه استفاده‌ای می‌کنیم؟
- ۳- کشوری که در آن زندگی می‌کنید چه نام دارد؟
- ۴- مرکز کشور ایران چه شهری است؟

با توجه به کلمه‌های زیر جاهای خالی را پر کنید.

شهرها - روستاهای - بزرگی - تهران

- ایران کشور ..... است.
- ایران ..... و ..... زیادی دارد.
- بزرگ‌ترین شهر ایران ..... است.





نقطه چین‌ها را به هم وصل کنید و شکل  
به دست آمده را رنگ کنید.



– حالا بگویید شکل بالا تصویر چیست؟



بگویید آیا در شهر شما مردم به زبان مخصوصی صحبت می‌کنند؟

## سفر به قم (۱)

بهمن ماه بود؛ ماه پیروزی انقلاب اسلامی. در مدرسه‌ی ما قرار بود تعدادی از دانش‌آموزان برای اردو به شهر قم بروند. در حیاط مدرسه، بچه‌ها دور آقای محمدی، معلم کلاس چهارم جمع شده بودند. او درباره‌ی روزهای خوب انقلاب صحبت می‌کرد.





آقای محمدی گفت: بچه‌ها سال‌ها پیش، شاه ستمگری در ایران زندگی می‌کرد. او به مردم ظلم می‌کرد. شاه با پول مردم برای خود و خانواده‌اش خانه‌های بزرگ می‌ساخت. بیشتر مردم خوراک، پوشاک و زندگی راحت نداشتند. در آن زمان مرد بزرگی به نام امام خمینی به کمک مردم آمد. او می‌خواست مردم را از ظلم شاه نجات دهد. امام خمینی سال‌ها در ایران نبود. مردم می‌خواستند او به ایران برگردد تا مردم را راهنمایی کند. آن‌ها در شهرها و روستاهای ایران، راه‌پیمایی کردند تا شاه را از کشور بیرون کنند. شاه مجبور شد از ایران برود. در روز ۱۲ بهمن امام خمینی به ایران بازگشت. مردم بسیار خوش حال شدند. انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ پیروز شد. از ۱۲ بهمن تا ۲۲ بهمن را دهه‌ی فجر می‌گوییم. و هر سال این روزهای بزرگ را جشن می‌گیریم.

بعد از صحبت‌های آقای محمدی همگی به ایستگاه راه‌آهن رفتیم. سپس همراه آموزگار خود سوار قطار شدیم و به طرف قم حرکت کردیم.

### نکته

دین ما اسلام است. مردم ایران مسلمان هستند.  
ما با انقلاب اسلامی دین خود را زنده نگه داشتیم.



## پرسش

- ۱- بچه‌ها قرار بود به چه شهری بروند؟
- ۲- امام خمینی در چه روزی به ایران بازگشت؟
- ۳- انقلاب اسلامی در چه روزی به پیروزی رسید؟
- ۴- شاه با پول مردم چه می‌کرد؟
- ۵- قبل از انقلاب زندگی مردم چگونه بود؟
- ۶- مردم برای بیرون کردن شاه از کشور چه کردند؟

**با توجه به کلمه‌های زیر جاهای خالی را پر کنید.**

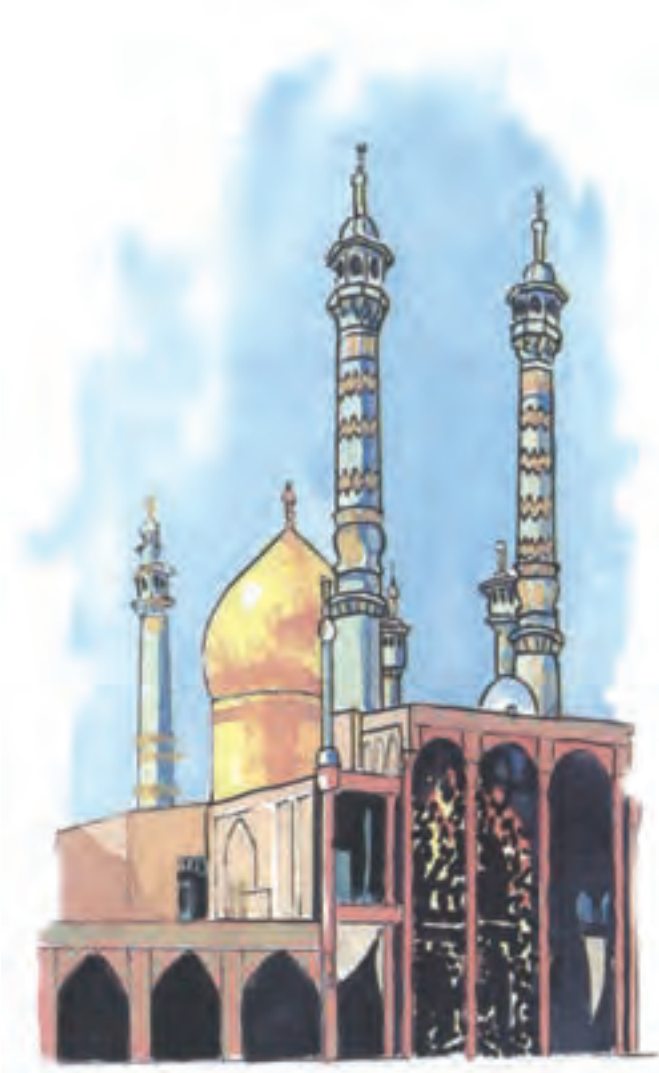
دهه‌ی فجر - ظلم و ستم

۱- سال‌ها پیش مردم مسلمان ایران از ..... شاه بسیار ناراحت بودند.

۲- از ۱۲ بهمن تا ۲۲ بهمن را ..... می‌گوییم.



## سفر به قم (۲)



حرم حضرت معصومه (س) خواهر امام رضا (ع)

قطار با سرعت به طرف قم حرکت می کرد.  
من و رضا از پنجره بیرون را نگاه می کردیم.  
ما یک گله ی گوسفند را دیدیم. پسرک  
چوپان مواظب گوسفندان بود. او از دور برای  
مسافران دست تکان داد. چوپان به قطار نزدیک  
نمی شد. او می دانست که نزدیک شدن به ریل  
راه آهن کار خطرناکی است.



نزدیک شهر قم روی تابلویی نوشته شده بود: به شهر خون و قیام خوش آمدید. با دیدن  
تابلو، آقای محمدی گفت: انقلاب اسلامی ایران از شهر قم شروع شد. نزدیک ظهر به قم  
رسیدیم.

همگی از قطار پیاده شدیم و با یک مینی‌بوس به طرف **حرم حضرت معصومه (س)** حرکت کردیم.

آقای محمدی گفت: حضرت معصومه خواهر امام رضا (ع) است. مردم از همه جای ایران برای زیارت به این شهر می‌آیند.

صدای اذان ظهر به گوش می‌رسید. ما در حرم نماز خواندیم و زیارت کردیم. بعد از زیارت به بازار رفتیم و مقداری سوهان خریدیم سوهان معروف‌ترین سوغات شهر قم است.

هنگام غروب به ایستگاه راه‌آهن رفتیم و با قطار به تهران بازگشتیم. در این سفر به ما خیلی خوش گذشت و چیزهای زیادی یاد گرفتیم.

### نکته

کشاورزی در زمین‌های اطراف قم مشکل است. چون هوای قم گرم و آب آن شور است.



## تمرین

- ۱- چرا چوپان به قطار نزدیک نمی شد؟
- ۲- نزدیک شهر قم، روی تابلو چه نوشته شده بود؟
- ۳- انقلاب اسلامی ایران از چه شهری شروع شد؟
- ۴- مردم برای زیارت چه کسی به شهر قم می روند؟
- ۵- معروف ترین سوغات شهر قم چیست؟



## تمرین

– همراه با آموزگار خود به یکی از زیارتگاه‌های شهر بروید و درباره‌ی آن‌جا چند جمله بنویسید و در کلاس بخوانید.





دقت کنید: وقتی قطار حرکت می کند به آن نزدیک نشوید. روی ریل راه آهن بازی

نکنید.



سنگ زدن به شیشه های قطار کار درستی نیست. چون باعث زخمی شدن مسافرها و

شکسته شدن شیشه های قطار می شود.

## مقایسه کنید



با دقت به تصویرهای بالا نگاه کنید و بگویید کار کدام گروه از مسافران درست است؟

## فکر کنید



بگویید اگر مسافران در قطار زباله‌های خود را روی کف قطار

بریزند، چه می‌شود؟



## دهه‌ی فجر

هر سال در مدرسه‌ی دانش دهه‌ی فجر را جشن می‌گیرند. امسال هم مربی پرورشی، تعدادی از بچه‌ها را برای برنامه‌های دهه‌ی فجر انتخاب کرد. رضا برای گروه روزنامه‌ی دیواری انتخاب شد. در این گروه، قرار شد رضا عکس‌هایی در مورد پیروزی انقلاب اسلامی تهیه کند، حمید مقوا بیاورد، و اکبر قسمتی از روزنامه را آماده کند.

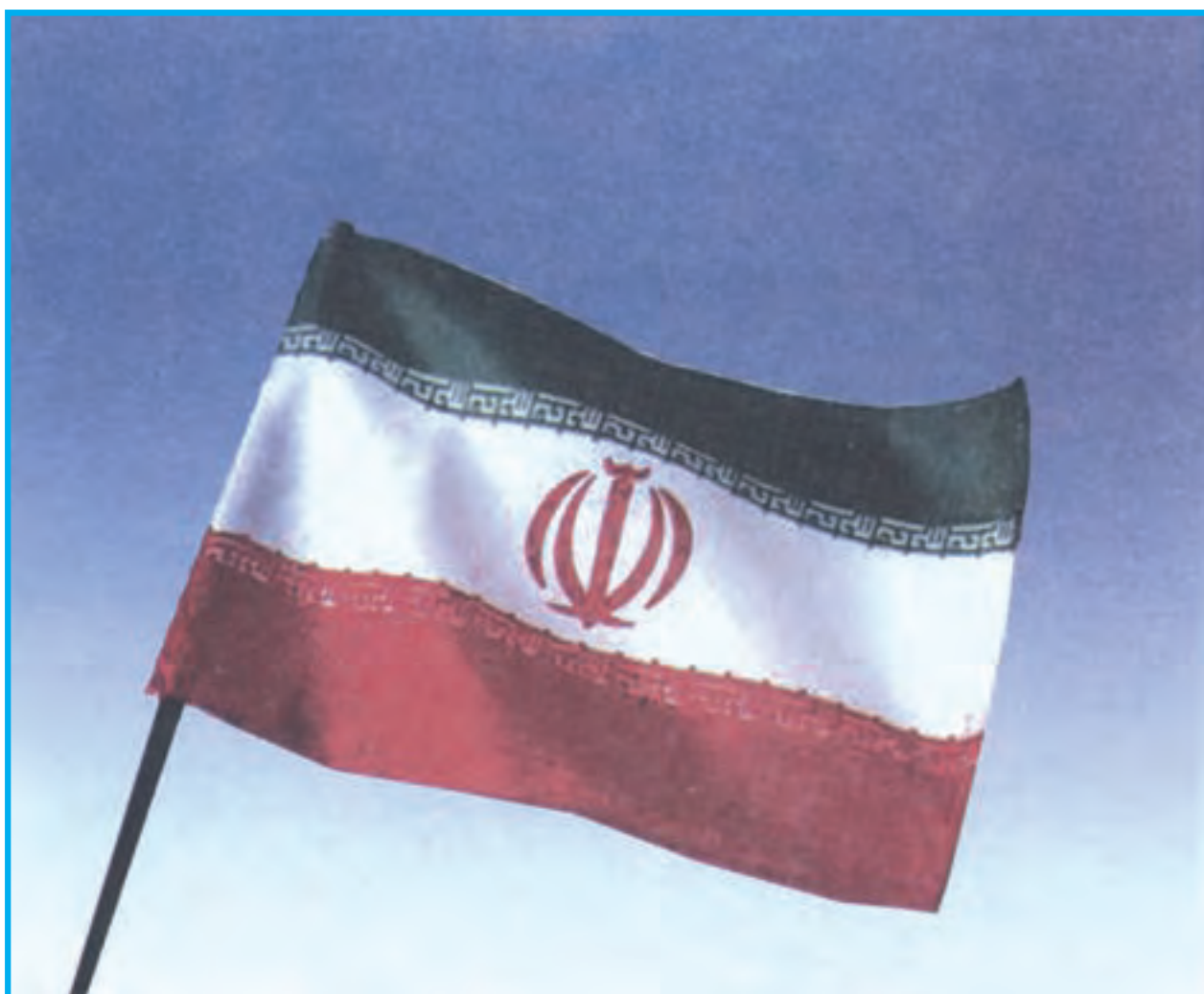




آن‌ها با کمک هم روزنامه‌ی دیواری درست کردند و آن را به دیوار زدند.  
جشن‌های دهه‌ی فجر شروع شد. در شروع جشن دو نفر از دانش‌آموزان پرچم جمهوری  
اسلامی را به سالن آوردند.

سه رنگ سبز و سفید و قرمز پرچم در زیر نور چراغ‌ها می‌درخشید.  
علامت جمهوری اسلامی ایران در وسط پرچم پیدا بود.  
گروه سرود برای بچه‌ها سرود جمهوری اسلامی را خواندند.  
بچه‌های گروه نمایش هم برنامه‌های خود را اجرا کردند.  
در آن روزها بچه‌ها توانستند با همکاری یکدیگر برنامه‌های زیبایی اجرا کنند.  
مربی پرورشی از همکاری بچه‌ها راضی بود و آن‌ها را تشویق کرد.





## نکته

هر کشور دارای یک پرچم مخصوص می باشد.



## تمرین

- ۱- برای تهیه کردن یک روزنامه‌ی دیواری چه چیزهایی لازم است؟
- ۲- رضا برای چه گروهی انتخاب شد؟
- ۳- پرچم جمهوری اسلامی ایران چند رنگ دارد؟
- ۴- چرا مربی پرورشی بچه‌ها را تشویق کرد؟

با توجه به کلمه‌های زیر جاهای خالی را پر کنید.

همکاری - روزنامه‌ی دیواری - دهه‌ی فجر

- در آن روز بچه‌ها توانستند با ..... یکدیگر برنامه‌های بسیار زیبایی

اجرا کنند.

- آن‌ها همگی با کمک هم ..... زیبایی درست کردند.

- هر سال در مدرسه‌ی دانش ..... را جشن می‌گیرند.



## تمرین



– با کمک آموزگار خود یک روزنامه‌ی دیواری تهیه کنید.

## فکر کنید



بگو در مدرسه با دوستانت در چه کارهایی همکاری می‌کنی؟